

وظیفه فقهی مأموم در صورت انجام سجده سوره عزیمه توسط امام

محمد امامی^۱؛ محمدمهدی یزدانی^۲؛ سیدمهدی نقیبی^۳

چکیده

در روایات اهل بیت علیهم السلام، به شرکت در نماز جماعت اهل سنت توصیه شده است. از دیگر سو، مشهور فقهای شیعه قرائت آیه عزیمه را در نماز جایز نمی‌دانند. حال درباره وظیفه مکلف در جایی که به امام جماعتی اقتدا کرده که در نماز آیه عزیمه تلاوت نموده و سجده را نیز انجام داده است، بین فقهای امامیه دو نظریه کلی وجود دارد: طبق نظر اول، تبعیت از امام اقتضا می‌کند که مأموم نیز در حال نماز به سجده اقدام کند. نظر دوم این است که مأموم نباید سجده کند و تبعیت در این حال، جایز نیست. در این حالت، یا بدل سجده را انجام می‌دهد؛ یعنی ایما و اشاره جایگزین سجده می‌شود یا هم از ایما استفاده می‌کند و هم سجده را بعد از پایان نماز انجام می‌دهد یا فقط سجده را بعد از نماز به جا می‌آورد. این مقاله، که با مطالعه متون کهن، مستندات فقهی مسئله را به شیوه تحلیل منابع کتابخانه‌ای بررسی کرده، با مطرح ساختن نظریه‌های مربوط و دلایل آنها، نتیجه گرفته است که اگر امام در اثنای نماز بعد از قرائت آیه سجده به سجده اقدام کند، مأموم نیز باید از او تبعیت کند و سجده را انجام دهد و نماز او نیز صحیح است.

کلیدواژه‌ها: سوره عزیمه، سجده، نماز جماعت، امام جماعت، مأموم.

۱. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی: (Dr.Imami@Razavi.ac.ir) (نویسنده مسئول)

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی: (yazdani@razavi.ac.ir)

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی: (m.naghbi@razavi.ac.ir)

از اموری که در آموزه‌های اسلامی به شدت بر آن تأکید شده، شرکت در نماز جماعت است. استحباب نماز جماعت، به حدی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس گام بردارد به سوی مسجدی که در آن نماز جماعت به پا داشته می‌شود، به ازای هر گام او هفتاد هزار حسنه برایش در نظر گرفته می‌شود...» (حر عاملی، ۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۷۲). همچنین درباره اقتدا به ائمه جماعات دیگر مذاهب اسلامی، به‌ویژه در مسجد الحرام و مسجد النبی، توصیه فراوان شده و در روایات آمده است که امام صادق علیه السلام از اسحاق بن عمار پرسید: «آیا با آنها (اهل سنت) نماز به جا می‌آوری؟» وی پاسخ داد: «آری». سپس حضرت فرمود: «صل معهم فان المصلي معهم في الصف الاول كالشاهر سيفه في سبيل الله»؛ «با آنان نماز بخوان که نماز گزارنده در صف اول با آنان، همانند کسی است که در راه خدا شمشیر کشیده» (همان، ص ۳۸۱).

از دیگر سو، همه‌ساله بسیاری از شیعیان برای شرکت در مراسم عظیم عبادی - سیاسی حج به سرزمین وحی مشرف می‌شوند و تعداد قابل توجهی نیز در طول سال برای انجام دادن عمره مفرده به این مکان مقدس پا می‌گذارند و در مدت حضورشان در آنجا عموماً در نماز جماعت برادران اهل سنت شرکت می‌کنند. در این مدت، چه‌بسا امام جماعت در قرائت نماز، یکی از آیات عزیمه قرآن را بخواند و در حال نماز، سجده آن را انجام دهد که شیعیان نمی‌دانند آیا از امام تبعیت کنند و با او سجده بروند یا منتظر بمانند تا امام از سجده سر بردارد و دوباره به حال قیام برگردد. پس از پایان نماز نیز درباره حکم وضعی نماز خود شک دارند و برایشان این پرسش مطرح می‌شود که آیا اعاده یا قضای نماز بر آنها لازم است یا نه. از آنجا که این مسئله مورد ابتلای بسیاری از شیعیان است و همچنین با توجه به ضرورت

نزدیکی دیدگاه‌های مذاهب اسلامی، در حد امکان ضرورت دارد که مبانی و ادله فقهی این مسئله بررسی شود.

در این مقاله به این سؤال پرداخته می‌شود که حکم تکلیفی و وضعی مأمومین، در صورت اقتدا به امام جماعتی که در نماز آیه سجده را تلاوت کند، چیست؟ آیا اقتدا به چنین امامی جایز است؟ در صورت اقتدا آیا این نماز صحیح خواهد بود؟ انجام دادن سجده واجب این آیه، با توجه به اینکه مأموم در حال نماز است، به چه صورت است؟ آیا ضروری است این سجده را بلافاصله و در اثنای نماز انجام داد یا می‌توان پس از اتمام نماز آن را انجام داد؟ آیا ایما و اشاره، جای سجده را می‌گیرد؟ بررسی این مسئله، ضمن مطالعه یک موضوع فقهی با نگاهی نو و به شیوه تحلیل کتابخانه‌ای بر مبنای منابع اسلامی، دربردارنده طرح و بررسی دیدگاه فقهای امامیه درباره این سؤالات است. این دیدگاه‌ها در دو بخش بررسی می‌شود: یکی بیان حکم تکلیفی مأمومین در مورد بحث و دیگری، حکم وضعی نماز.

گفتار اول: حکم تکلیفی مأموم

در صورت اقتدای پیروان مکتب امامیه به امام جماعت اهل سنت، که در روایات هم بر آن تأکید شده است، چنانچه امام جماعت در قرائت خود آیه سجده را تلاوت کند و بین نماز نیز به سجده برود، این پرسش مطرح است که مأموم چگونه این سجده را باید انجام دهد و این شخص چه کند تا هم تکلیف خود را در برابر شنیدن آیه عزیمه انجام داده باشد و هم نمازی را که شکستن آن حرام است، قطع نکرده و هم موجبات وهن مذهب شیعه را میان مسلمین فراهم نیاورده باشد.

گفتنی است که بنا بر بعضی دیدگاه‌های فقهی، اصولاً قرائت سوره سجده در نماز جایز است و از حیث تلاوت سوره سجده، نماز دچار هیچ مشکلی نیست (ر.ک: امامی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۲۵۷). اما اینکه بر اساس همین نظریه، سجده را چگونه باید انجام داد و همچنین بر اساس نظریه مشهور، که قرائت سوره عزیمه

را جایز نمی‌داند، مگر در صورت تقیه یا در صورت اقتدا به امام جماعتی از اهل سنت که سوره عزیمه تلاوت می‌کند، در این مسئله بین فقیهان شیعه دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد.

نظریه اول: وجوب سجده بر مأموم در اثنای نماز

در ابتدا باید گفت که اقتدا به امام جماعت اهل سنت، یا در شرایط عادی است یا در شرایط تقیه. فرض مورد نظر در این جستار، جایی است که اقتدا به امامت جماعت سنی جایز؛ بلکه دارای رجحان است که شامل هر دو حالت تقیه و غیر تقیه می‌شود؛ هرچند در حال تقیه، حکم مسئله روشن‌تر خواهد بود.

از کلمات برخی فقهای امامیه، استفاده می‌شود که در صورت اقتدا به امام جماعت اهل سنت و قرائت آیه سجده توسط او و انجام دادن سجده، مأموم نیز باید به تبعیت از او سجده را در وسط نماز انجام دهد. از آنها می‌توان به محقق کرکی (محقق کرکی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۶۵) و شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۰۷؛ همو، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۷۰۷) اشاره کرد.

کاشف‌الغطا هم همین دیدگاه را دارد. ایشان می‌افزاید که حکم شنیدن آیه سجده در نماز نیز همین است (کاشف‌الغطا، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۸۱).

برخی فقها از باب احتیاط، به وجوب سجده در اثنای نماز حکم کرده؛ ولی اعاده نماز را نیز لازم دانسته‌اند. از دیدگاه میرزای قمی، کسی که در حال نماز به قرائت آیه سجده گوش داده است، بنا بر احتیاط، مکلف به سجده در اثنای نماز، و اعاده نماز است (قمی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵۱۶).

دلایل نظریه اول

برای اثبات وجوب سجده در اثنای نماز، به روایات متعددی استناد شده است. دلیل اول: از دلایل مورد استناد این قول، عبارت «یصلي بصلاته» در روایت عبدالله

بن سنان است که گوید: از امام صادق علیه السلام درباره فردی پرسیدم که قرائت آیه سجده را شنید. امام فرمود: «لا یسجد إلا أن یکون منصتا لقراءته مستمعا لها أو یصلي بصلاته...» «سجده نکند، مگر درحالی که ساکت باشد هنگام قرائت و به آن گوش فرا دهد یا اینکه به نماز قرائت کننده اقتدا کرده باشد» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۳۱۸).

نقد و بررسی سندی و دلالتی روایت:

این روایت از نظر سند، تمام و قابل قبول است؛ زیرا در سلسله سند آن، علی بن ابراهیم هست که اهل رجال او را تأیید کرده‌اند (ر.ک: نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۲۶۰؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۱۲؛ حلی، ۱۴۱۷، ص ۱۸۷). محمد بن عیسی را برخی به این دلیل که او غالی بوده است، تضعیف کرده‌اند (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۴۸)؛ اما او نزد اهل رجال و فقها، فوق العاده محترم است و قولش را مثل قول امام علیه السلام تلقی بر قبول کردند؛ زیرا از وکلای امام عسکری علیه السلام است. ایشان وکیل ناحیه در غیبت صغراست و فوق العاده جلالت دارد و غلوی هم از او دیده نشده (ر.ک: نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۳۳؛ حلی، ۱۴۱۷، ص ۲۴۱؛ ابن داود، ۱۳۹۲، ص ۲۷۴). درباره یونس بن عبدالرحمان نیز، گرچه ذمی وارد شده، از بزرگان شیعه و از وکلای امام رضا علیه السلام و مورد اعتماد است (ر.ک: نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۴۶)؛ از این رو روایت، صحیح السند است.

از نظر دلالت نیز حدیث تمام است؛ زیرا بر اساس ظاهر این روایت، امام علیه السلام در دو مورد سجده تلاوت را در نماز لازم دانسته‌اند: یکی از آن دو مورد جایی است که مأموم به کسی اقتدا کند که آیه سجده را می‌خواند. طبق این روایت، چنانچه مأموم پشت سر امام باشد و امام سوره عزیمه را بخواند، سجده بر او واجب است. برداشت محقق کرکی از این روایت، این است که مقتضای این روایت، وجوب سجده تلاوت بر مأموم است علی کل حال (محقق کرکی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۱۱).
شیخ بهائی بعد از آنکه به صورت کلی اقتدا به امام جماعت اهل سنت را جایز

می‌داند، از عبارت «یصلي بصلاته»، عموم را برداشت کرده و آن را هم شامل محل بحث، یعنی نماز جماعت، و هم شامل جایی که مأموم پشت سر امام ایستاده است و هماهنگ با او نماز می‌خواند؛ اما نیت فرادا کرده است، دانسته و در هر دو صورت، تبعیت از امام جماعت سنی را لازم می‌شمارد (ر.ک: شیخ بهائی، بی تا، ص ۲۴۶).

دلیل دوم: ظهور برخی روایات، از جمله روایتی است که راوی از امام باقر علیه السلام می‌پرسد: «اگر امام جماعت در نماز آیه سجده بخواند؛ ولی قبل از سجده وضویش باطل شود، چه کنیم؟» امام علیه السلام در پاسخ می‌فرمایند: «یک نفر از مأمومین جلو بایستد و سجده کند و دیگران هم سجده کنند و امام جماعت اول، نماز را رها می‌کند و نماز بقیه صحیح است».

نقد و بررسی سند و دلالت روایت:

این روایت از نظر سند، قابل قبول است؛ زیرا محمد بن یحیی از اجله شیعه در زمان خود است؛ چنان‌که هریک از رجال‌شناسان که از محمد بن یحیی عطار نامی برده‌اند، او را به بزرگی و عظمت یاد کرده و به وثاقت و صداقت و علم و تقوا ستوده‌اند (ر.ک: نجاشی، ۱۴۱۶، ص). احمد بن محمد نیز محتمل است بین احمد بن محمد بن خالد برقی و احمد بن محمد بن عیسی الاشعری باشد که هر دو، مورد اعتماد و ثقه هستند. احمد بن محمد بن خالد برقی، هرچند از ضعفا نقل می‌کند، این روایت دارای سند است و خود او نیز ثقه است و از اجله امامی و مورد اعتماد (ابن الغضائری، ۱۴۲۲، ص ۳۹؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۵۳). احمد بن محمد بن عیسی الاشعری نیز امامی و مورد اعتماد و صحیح‌المذهب است (ر.ک: نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۸۳؛ ابن داود، ۱۳۹۲، ص ۴۴). موسی بن قاسم، فردی موثق و امامی است و مورد تجلیل قرار گرفته (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۷۸؛ نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۰۵؛ حلی، ۱۴۱۷، ص ۲۷۲). علی بن جعفر نیز ثقه و مورد تجلیل و از بزرگان شیعه است (ر.ک: نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۲۵۱؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۵۱؛ حلی، ۱۴۱۷، ص ۱۸۵).

بنابراین، روایت صحیحه است.

روایت از نظر دلالت نیز تمام است؛ زیرا از آن فهمیده می‌شود که سجده تلاوت، اعم از سجده امام و سجده مأمومین، در حال نماز انجام می‌شود (صاحب جواهر، ۱۳۶۷، ج ۹، ص ۳۴۶).

دلیل سوم: برای اثبات این نظریه، به مفهوم برخی روایات استناد شده؛ چه اینکه در برخی روایات آمده در صورت اقتدا به امام جماعت اهل سنت و قرائت آیه سجده توسط او و ترک سجده، بر مأموم لازم است با ایما و اشاره سجده تلاوت را انجام دهد؛ مثلاً در روایت سماعه آمده است: «إذا ابتليت بها مع امام لا يسجد فيجزيك الايلاء والركوع» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۷۷۷؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۹۲).
نقد و بررسی سند و دلالت روایت:

این روایت از نظر سند، قابل قبول است؛ زیرا در سند آن حسین بن سعید هست که فردی ثقه، امامی و جلیل‌القدر تلقی شده (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۱۲؛ همو، ۱۴۱۵، ص ۳۵۵؛ حلی، ۱۴۱۷، ص ۱۱۴). از دیگر افراد سند این روایت، عثمان بن عیسی است که هرچند برخی مانند شیخ طوسی او را واقفی می‌دانند (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۹۳)، بعضی می‌گویند که او قبلاً واقفی بوده و بعد هدایت شده و ظاهر این است که مشایخ حدیث در زمان صحت مذهب او، احادیثش را می‌پذیرفته‌اند (ر.ک: نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۰۰؛ حلی، ۱۴۱۷، ص ۳۸۲). همچنین سماعه بن مهران در سند هست که او را نیز بعضی واقفی برشمرده‌اند (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۳۷)؛ اما نجاشی وی را ثقه و صحیح‌المذهب معرفی می‌کند (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۹۳؛ حلی، ۱۴۱۷، ص ۳۵۶؛ تفریسی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۷۳). به نظر می‌رسد سماعه بن مهران، امامی است و اخذ مشایخ از عثمان بن عیسی نیز بعد از هدایت اوست. پس روایت صحیحه است. به فرض هم که واقفی باشد، ضرری نمی‌زند؛ زیرا این کلام برای کسانی مضر است که عدلت را در راوی، شرط می‌دانند؛ اما طبق مبنایی که ثقه بودن

را شرط می‌داند، هرچند واقفی یا فطحنی باشد، مضر نیست.

روایت از نظر دلالت نیز تمام است؛ زیرا مفهوم آن دال بر مدعا است. صاحب مصباح الفقاهه می‌گوید که این روایات، در واقع می‌خواهند به ما بفهمانند که لزوم ایما در صورتی است که امام، به‌رغم خواندن آیه سجده، در حال نماز سجده نکند؛ و الا اگر امام سجده تلاوت را در نماز انجام دهد، بر مأموم واجب است که به همراه او سجده کند و با این عمل، خللی به نماز او وارد نمی‌شود (همدانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۴).

آیت‌الله فاضل لنکرانی در تقریرات آیت‌الله بروجردی، از روایت همین استفاده را کرده‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۵۲؛ ر.ک: خمینی، بی‌تا، ص ۸؛ محقق کرکی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۱۱؛ خوانساری، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۸۴؛ اشتیاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۴۶۶).

نظریه دوم: عدم وجوب سجده در بین نماز

عده زیادی از فقها در فرض محل بحث، سجده در وسط نماز را جایز ندانسته‌اند. این گروه، از حیث جایگزین مناسب برای سجده، به چند دسته تقسیم می‌شوند.

دسته اول: سجده با ایما و اشاره

به نظر برخی فقها در صورت تلاوت آیه سجده در نماز توسط امام، سجده واجب است؛ اما باید با ایما و اشاره انجام شود و سجده به صورت متعارف، جایز نیست. علامه حلی می‌فرماید:

اگر امام جماعت، امامی مذهب باشد و از روی فراموشی آیه سجده را بخواند، هم خودش و هم مأمومین باید با اشاره سجده را انجام دهند و اگر امام از مخالفین باشد و سجده را در نماز انجام دهد، مأموم نباید از او تبعیت کند؛ بلکه با اشاره سجده نماید (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۱۹؛ همو، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۹۷).

حتی به نظر ابن جنید، که جواز قرائت سوره عزیمه در نماز به وی نسبت داده شده است، سجده تلاوت باید با اشاره صورت گیرد (ر.ک: شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۲۳؛ حائری، ۱۳۶۲، ص ۱۶۵؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۱؛ خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۴۰).

در عین حال، گروه دیگری از فقها بر آن اند که اساساً جواز اقتدا به غیر امامی، که در نماز سوره عزیمه را تلاوت می کند و به تبع آن سجده با اشاره، فقط به حال تقیه اختصاص دارد (اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۱۴۹).

دلایل این نظریه

۱. سجده در وسط نماز، باعث زیادی در نماز واجب می شود و این کار، جایز نیست و باعث بطلان نماز می شود. از همین روست که در روایات از خواندن سوره سجده نهی شده. مثلاً ابن بکیر روایتی را نقل کرده که در آن امام علیه السلام فرمودند: «لَا تَقْرَأُ فِي الْمَكْتُوبَةِ بِشَيْءٍ مِنَ الْعَزَائِمِ فَإِنَّ السُّجُودَ زِيَادَةٌ فِي الْمَكْتُوبَةِ» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۳۱۸)؛ در نماز واجب، سوره عزیمه را نخوان؛ زیرا موجب زیادی در نماز واجب است؛ اما، برخلاف خود سجده که به نظر برخی فقها موجب زیادی در فریضه می شود، سجده با ایما و اشاره، که بدل سجده است، موجب ایجاد خلل در نماز نیست و چنین نمازی صحیح است (همدانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۹۴).

ارزیابی این دلیل:

اولاً این روایت، هم از نظر سند و هم از نظر دلالت، ضعف دارد و از این رو، نمی توان به آن استناد کرد. از نظر سندی ضعیف است؛ زیرا در سند آن قاسم بن عروه هست که مجهول است (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۵۲). خود ابن بکیر نیز ضعیف است (محقق حلی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۷۵). از نظر دلالت نیز ضعیف است؛ زیرا با ادله دال بر جواز، که قبلاً بیان شد، در تعارض است. محقق نراقی می فرماید: «به دلیل ضعف ادله حرمت است که کلام بعضی متأخرین، اشعار به

جواز دارد» (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۰۰). فاضل هندی نیز روایات دال بر حرمت را ضعیف دانسته است (فاضل هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۱۱). صاحب مدارک الاحکام می گوید:

حق این است که روایات دال بر منع، ضعیف هستند و نمی توان به آنها تمسک کرد. پس اگر بتوانیم بطلان نماز را با استفاده از این نکته که افزودن سجده مبطل است ثابت کنیم، می توان قائل به منع شد؛ والا قول به جواز را کمالینکه ظاهر روایات است، باید پذیرفت (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۵۳).

ثانیاً بر فرض بپذیریم که زیادی در نماز حرام و مبطل است، ممکن است گفته شود افزودن سجده ای که به قصد جزئیت نماز خوانده شود، مبطل نماز و حرام است؛ درحالی که این سجده، به قصد جزئیت خوانده نشده؛ بلکه به قصد سجده قرآن انجام شده و این، انجام وظیفه است، نه اخلال به وظیفه؛ چنان که در نماز جماعت، اضافه شدن یک رکوع به قصد تبعیت از امام، مخل و مبطل نیست.

صاحب جواهر نیز منصرف از روایات را (در مورد زیادی که باعث بطلان نماز می شود)، فقط زیادی رکعات و رکوعات دانسته است، نه مطلق زیادی. بنابراین، زیادی سجده تحت شمول آن نصوص قرار نمی گیرد (صاحب جواهر، ۱۳۶۷، ج ۹، ص ۳۴۶).

۲. روایتی که در ادامه می آید نیز می تواند دلیلی برای قول به وجوب سجده با ایما و اشاره باشد:

علي بن جعفر في كتابه عن أخيه عليه السلام قال : سألته عن الرجل يكون في صلاة جماعة فيقرأ إنسان السجدة، كيف يصنع؟ قال: يومئ برأسه. قال: وسألته عن الرجل يكون في صلاته فيقرأ آخر السجدة؟ فقال: يسجد إذا سمع شيئاً من العزائم الأربع، ثم يقوم فيتم صلاته إلا أن يكون في فريضة فيومئ برأسه إيماء (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۸۲).

در عبارت «إلا أن يكون في فريضة فيومئ برأسه إيماء»، امام عليه السلام به طور مطلق بیان

فرمودند که در صورت شنیدن آیه سجده در حال نماز واجب، باید با اشاره سجده تلاوت را انجام داد.

نقد و بررسی سند و دلالت روایت:

این روایت از حیث سند، معتبر است و صحیحه تلقی می‌شود؛ زیرا علی بن جعفر میان اعلام شیعه، به «وثاقت فضل»، جلالت قدر، عظمت، شدت ورع، غایت اخلاص، تأدب، شرافت و... ستوده شده است و کتاب او در ردیف آثار معتبر امامیه است و از مصادر اولیه حدیثی به شمار می‌رود (ر.ک: نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۲۵۱؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۵۱؛ حلی، ۱۴۱۷، ص ۱۸۵).

اما روایت از نظر دلالت، ناتمام است؛ زیرا از محل نزاع خارج است. این روایت در جایی است که فردی غیر از امام جماعت آیه سجده را می‌خواند و مأموم آن را می‌شنود؛ ولی محل بحث جایی است که امام آیه سجده را تلاوت می‌کند. پس روایت فوق شامل محل بحث نمی‌شود.

دسته دوم: لزوم ایما در نماز و انجام دادن سجده بعد از نماز

محقق حلی از ابن جنید نقل کرده که در مورد بحث، لازم است مأموم بین نماز، با ایما و اشاره سجده کند و بعد از نماز، سجده تلاوت را انجام دهد (محقق حلی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۷۵). از کلام برخی فقهای دیگر نیز همین مطلب به دست می‌آید (ر.ک: تستری، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۶۹).

آیت‌الله جوادی آملی در پاسخ به استفتایی در این باره، فرموده‌اند: «باید نماز گزار در صورت امکان، با اشاره سجده نموده و بعد از نماز هم، سجده را تکرار کند» (استفتائات آیت‌الله جوادی آملی، ۲۴ آبان ۱۳۸۸).

وجه اشتراک این نظر با نظر قبلی، آن است که هر دو مورد، سجده در وسط نماز را در محل بحث، جایز نمی‌دانند و معتقدند به جای سجده، باید از ایما و اشاره استفاده کرد. در نهایت، نظر دوم قائل است که بعد از نماز، احتیاطاً باید سجده را هم انجام داد.

دلایل این قول

ظاهراً دلیل این قول، همان دلایل قول گذشته، و جواب آن نیز همان اشکالاتی است که درباره نظریه دوم بیان شد.

دسته سوم: لزوم انجام سجده بعد از سلام نماز

بر اساس نظر دیگری میان فقهای امامیه، در صورت شنیدن آیه سجده در نماز، باید سجده تلاوت را بعد از سلام نماز انجام داد. صاحب مصباح الفقیه، ضمن نقل این نظریه، گفته است که «اگر بحث جایگزینی بدل سجده یعنی اشاره و ایما نباشد، این قول، قول خوبی است» (همدانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۹۴). گفتنی است که با فرض قبول این قول، دلالت آن در جایی که امام در اثنای نماز سجده نمی کند، در مقایسه با جایی که امام سجده را در اثنای نماز انجام می دهد، آشکارتر است و استفاده و جوب سجده مأموم بعد از سلام نماز در جایی که امام سجده را انجام می دهد، با تمسک به اطلاق ادله، امکان پذیر است.

دلایل این نظریه

اولین دلیل، استصحاب است؛ به این بیان که قبل از شنیدن آیه سجده، حرام است که نمازگزار نمازش را قطع کند؛ بعد از شنیدن آیه سجده، شک می کند که آیا این حرمت برداشته شده و جای خود را به وجوب داده یا حکم حرمت همچنان به قوت خود باقی است؛ اگر حکم حرمت برداشته شده باشد، لازم است نمازش را قطع کند و سجده را بلافاصله به جا آورد و اگر حکم حرمت برداشته نشده باشد، لازم است آن زمان سجده نکند و آن را به بعد از نماز موکول کند. استصحاب حکم حرمت می کند و در نتیجه، سجده به بعد از نماز موکول می شود (ر.ک: فاضل لنکرانی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۵۳).

دلیل دیگر، اصالة البرائه است؛ با این توضیح که پس از ادعای انصراف ادله فوریت سجده به صورت عدم اشتغال به نماز، یا تعارض آن با ادله حرمت شکستن نماز، در صورت شک در وجوب سجده در حال نماز، به اصل برائت از تکلیف در حال نماز تمسک می‌شود و از سجده در حال نماز، خودداری و آن را به بعد از نماز موکول می‌کنیم؛ اما چنانچه بدلیت ایما به جای سجده پذیرفته شود، مجالی برای این قول نخواهد بود (همان‌جا).

ارزیابی این نظریه:

اولاً در صورت امکان باید بین دو دلیل متعارض جمع عرفی کرد که در محل بحث، می‌توان گفت انجام دادن سجده در حال نماز، از مصادیق ابطال نیست تا تعارض کند؛ پس بین ادله تعارضی وجود ندارد.

ثانیاً با وجود ادله لزوم تبعیت مأموم از امام و ادله تقیه، اصول مورد استناد از فرض مذکور انصراف دارند و شامل جایی نمی‌شود که امام سجده را انجام می‌دهد. بنابراین، باید گفت به تأخیر انداختن سجده تا بعد از نماز، بر فرض که تمام باشد، مربوط به جایی است که امام سجده را ترک کرده باشد.

آیت‌الله خوئی، ضمن تأکید بر انجام سجده با ایما و اشاره در اثنای نماز، در رد این قول می‌گوید: «اگر تأخیر سجده به بعد از نماز جایز بود، وجهی نداشت که امام علیه السلام دستور دهند که سجده با ایما، که در صورت تعذر سجده، بدل آن است، انجام گیرد» (خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۲۱۹).

ثالثاً استصحاب مورد اشاره، اصل مثبت است؛ زیرا با استصحاب بقای حرمت نقض نماز، می‌خواهیم وجوب سجده بعد از نماز را اثبات کنیم و این اصل مثبت است.

گفتار دوم: حکم وضعی نماز

تاکنون دو نظریه کلی درباره وظیفه مکلف، در جایی که به امام جماعتی اقتدا کرده که در نماز آیه عزیمه را تلاوت نموده و سجده را نیز انجام داده است، بیان شد. طبق نظر اول، تبعیت از امام اقتضا می‌کند که مأموم هم در حال نماز سجده کند. نظر دوم، این بود که مأموم نباید سجده کند و تبعیت در این حال، جایز نیست. در این حالت، یا بدل سجده را انجام می‌دهد، یعنی ایما و اشاره جایگزین سجده می‌شود، یا هم از ایما استفاده می‌کند و هم سجده را بعد از پایان نماز انجام می‌دهد یا فقط سجده را بعد از نماز به جا می‌آورد.

چنان‌که بیان شد، ممکن است امام جماعت خودش اصلاً در حال نماز، سجده تلاوت را به جا نیاورد. در این صورت، باز در مسئله اقوال گوناگونی وجود دارد که نقل و بررسی و نقد آنها مجال دیگری می‌طلبد. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که حکم وضعی نماز کسی که در آن سوره عزیمه خوانده شده و وی بین نماز سجده را انجام داده، صحیح است یا باطل و نیازمند اعاده، فرض‌های مختلفی قابل تصور است.

فرض اول: سجده بین نماز به تبعیت از امام

اگر امام سجده کند و مأموم هم به تبعیت از او سجده تلاوت را در اثنای نماز انجام دهد، درباره صحت نمازش دو نظریه وجود دارد:

۱. شهید ثانی در شرح لمعه، به صراحت می‌فرماید که این نماز، مورد قبول نیست و باید اعاده شود. وی نظریه خود را به سه دلیل مستند کرده است:
- الف) روایاتی که سجده تلاوت را موجب زیادی در نماز می‌دانند، اطلاق دارند و شامل این مورد نیز می‌شوند و نماز با سجده زیادی، باطل است.

ب) در اینجا مأموم مرتکب فعلی می شود که از نظر او موجب بطلان نماز است (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۰۸).

ج) قاعده اشتغال، مقتضی عدم اعتنا به این نماز است؛ زیرا آن گونه که شهید در شرح الفیه و روض الجنان اشاره می کند، این نماز گزار علم به زیادی عمدی در نماز پیدا کرده است، بدون آنکه به بخشش این زیادی یقین پیدا کند. بنابراین، بر اساس قاعده اشتغال، نمی توان به این نماز اکتفا کرد (شهید ثانی، ۱۳۷۸، ص ۲۵۳؛ همو، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۷۰۷).

به نظر محقق کرکی در جامع المقاصد نیز صحت این نماز محل اشکال است (محقق کرکی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۶۵).

۲. دیدگاه دیگر، که از نظر نگارندگان قوی تر نیز به نظر می رسد، آن است که این نماز صحیح است. از کسانی که این عقیده را دارند، می توان از آیت الله حکیم، آقارضا همدانی، صاحب جواهر و آیت الله جوادی آملی نام برد. هر چند آیت الله جوادی احتیاط را در اعاده می داند (جوادی آملی، استفتائات، ۲۴ آبان ۱۳۸۸). برای صحت این نماز از دلایلی می توان بهره جست:

الف) روایتی که راوی می پرسد: «اگر امام جماعت در نماز آیه سجده بخواند، ولی قبل از سجده وضویش باطل شود، چه کنیم؟» امام در پاسخ می فرماید: «یک نفر از مأمومین جلو می ایستد و سجده می کند و دیگران هم سجده می کنند و امام جماعت اول، به دنبال کار خود می رود و نماز بقیه صحیح است» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۷۸۰). اگرچه در این روایت یکی از مأمومین جای امام را گرفته است، هیچ فرقی بین اینکه امام جماعت خودش جلو باشد یا شخص دیگری جایگزین او شده باشد، وجود ندارد. به نظر آیت الله حکیم نیز این نماز صحیح است (حکیم، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۲).

ب) مفهوم روایت ابوبصیر که امام علیه السلام امر فرموده‌اند در صورت عدم سجده امام، از ایما استفاده کنید. مفهوم این روایت، آن است که در صورت سجده، نماز باطل نخواهد بود: «ومفهومها أنه لو سجد الإمام لم يبطل صلاته وصلاة من خلفه» (اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۳۲).

گفتنی است برخی فقها، که در شرایط تقیه اقتدا را تجویز کرده‌اند، این نماز را مکفی دانسته و سجده را مخل به آن ندانسته‌اند؛ مثلاً آقای حکیم در این باره گفته است: «اگر امام سجده کند و مأموم هم به تبعیت از امام سجده تلاوت را در اثنای نماز انجام دهد، اما این کار در شرایط تقیه صورت گیرد، این نماز صحیح است» (حکیم، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۲؛ ر.ک: همدانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۹۴). از دیگر سو به نظر فقهای بسیاری از جمله امام خمینی، تقیه فقط به موقعیت‌های اضطراری منحصر نیست که جان و مال انسان در خطر باشد؛ بلکه در وضعیت عادی که خوفی وجود ندارد نیز می‌توان تقیه کرد و اعمالی که بر اساس تقیه صورت می‌گیرد، صحیح و مورد قبول است (خمینی، بی تا، ص ۸). ایشان همچنین در بحث ایجاد خلل عمدی در نماز، برای جایی که مکلف از روی تقیه، خلل در نمازش ایجاد کرده و منشأ تقیه خوف و اضطرار است، به سجده عزیمه مثل زده و در این حالت نماز را صحیح دانسته است. آن‌گاه برای ادعای خود، به سه دلیل استناد کرده است که عبارت‌اند از: ۱. حدیث رفع؛ ۲. حدیث لاتعداد؛ ۳. روایات تقیه (همان، ص ۵).

صاحب جواهر در اعتراض به نظر شهید ثانی، که در صحت این نماز حتی در حال تقیه خدشه کرده است، می‌فرماید: «امر در تقیه، وسیع‌تر از این است که صحت این نماز را مورد سؤال قرار دهیم». (صاحب جواهر، ۱۳۶۷، ج ۹، ص ۳۵۱) از این مطلب فهمیده می‌شود که به نظر صاحب جواهر این نماز در حال تقیه، صحیح است؛ هر چند در اثنای آن سجده تلاوت انجام شده است.

ج) این سجده، سجده زیادی در نماز شمرده نمی‌شود تا در نماز خللی ایجاد کند (ر.ک: همان، ص ۳۴۶) و مؤید این مطلب، همان روایتی است که در ردیف الف ذکر شد (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۷۸۰).

نقد و بررسی دلایل بطلان

الف) علت بطلان، افزودن چیزی غیر نماز به نماز است؛ درحالی‌که چنان‌که بیان شد، معلوم گردید که سجده تلاوت، زیادی غیر نماز در نماز نیست و سجده تلاوت در وسط نماز، موجب باطل شدن آن نمی‌شود. بر این اساس، دلیل دوم قائلین به بطلان نیز توجیهی ندارد؛ زیرا آنان دلیل دیگر بطلان نماز را این می‌دانستند که از نظر مأموم، نمازی که در وسط آن سجده تلاوت انجام شود، باطل است. در این صورت، مأموم نمی‌تواند به نماز پشت سر چنین امامی اکتفا کند. وقتی بطلان نماز منتفی باشد، این استدلال نیز منتفی خواهد بود.

ب) دلیل دیگر قائلین به بطلان نماز، احتیاط است. به نظر آنان، تکلیف یقینی، برائت یقینی را می‌طلبد. با چنین نمازی، انسان به برائت ذمه یقین پیدا نمی‌کند. برای یقین به برائت، باید دوباره نمازش را اعاده کند. پاسخ این دلیل نیز روشن است. قاعده اشتغال، در جایی جاری می‌شود که دلیلی نداشته باشیم؛ حال آنکه در مورد بحث، دلیل بر صحت نماز داریم که عبارت بود از روایات و همچنین وجوب تبعیت از امام در نماز. بنابراین، نوبت به اصل عملی و قاعده اشتغال نمی‌رسد.

فرض دوم: انجام سجده بعد از نماز

اگر امام در نماز آیه سجده را بخواند و در اثنای نماز سجده کند؛ اما مأموم از انجام سجده خودداری کند و آن را بعد از سلام انجام دهد، بر مبنای نظر ابن جنید، نماز صحیح است. شهید ثانی بعد از نقل این مطلب از ابن جنید، بر آن

اشکال می‌کند و می‌گوید: «هرچند از نظر زیاد کردن رکن، مشکلی متوجه این نماز نیست؛ اما اشکال دیگری در آن وجود دارد که از نظر مأموم، نماز امام باطل است و صلاحیت اقتدا به او را ندارد» (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۰۸).

نقد و بررسی این نظریه

به نظر می‌رسد نماز این شخص، باطل نیست؛ اگرچه به دلیل عدم تبعیت از امام، معصیت کرده است؛ زیرا در نماز جماعت، مأموم باید از امام تبعیت کند و این تکلیفی واجب، و ترک تبعیت از امام، معصیت است؛ اما موجب بطلان نماز نمی‌شود. اشکال شهید ثانی نیز قبلاً جواب داده شد و مشخص شد که نماز با انجام سجده در وسط آن، باطل نیست.

فرض سوم: ایما و اشاره در نماز و سجده بعد از آن برخلاف امام

اگر امام در نماز آیه سجده را بخواند و در اثنای نماز سجده کند؛ اما مأموم با اشاره و ایما سجده را انجام دهد و بعد از نماز سجده کند، به نظر آیت‌الله جوادی آملی، نمازش صحیح است (جوادی آملی، استفتائات، ۲۴ آبان ۱۳۸۸).

نقد و بررسی این نظریه

نماز در این حالت، همانند فرض قبلی صحیح است؛ ولی به نظر نگارندگان، با توجه به اینکه تبعیت مأموم از امام در نماز جماعت لازم است، ضرورتی به ترک سجده و استفاده از ایما و اشاره نبوده و ترک تبعیت از امام، موجب معصیت و گناه است.

فرض چهارم: عدم انجام سجده سهوا یا عمدا

اگر مأموم عمداً یا جهلاً یا سهواً در حالی که امام آیه سجده را قرائت، و در نماز سجده کرده است، از سجده خودداری کند، نماز صحیح است (ر.ک: همان‌جا).

نقد و بررسی این نظریه

این فرض، مانعی ندارد و چنانکه گفته شده، اگر عمداً هم سجده را انجام ندهد، نماز صحیح است. اگر چه این کار معصیت تلقی می‌شود، معلوم نیست این معصیت، موجب بطلان نماز باشد و آن را فاسد کند؛ کما اینکه دلایل گذشته نیز همین نظریه را تأیید می‌کند.

نتیجه‌گیری

با توجه به توصیه امامان معصوم علیهم‌السلام و به تبعیت از آنان سفارش علمای دین، درباره شرکت در نمازهای جماعت اهل سنت، به‌ویژه در مسجدالحرام و مسجدالنبی، و اقتدا به ائمه جماعات آنان، چنانچه امام جماعت در قرائت نمازش آیه عزیمه تلاوت کند، در صورت سجده در اثنای نماز، مأموم لازم است از او تبعیت کند و با او به سجده رود. لزوم تبعیت از امام و سجده در وسط نماز، در حال تقیه کاملاً روشن است و کمتر مورد اختلاف فقهاست؛ چه دایره تقیه به جایی محدود باشد که خوف تلف جان و مال مؤمن وجود دارد و چه همانند دیدگاه امام خمینی، دایره آن را گسترده در نظر بگیریم که شامل موقعیت فعلی ما نیز بشود. حتی از ظاهر کلمات کسانی که تقیه را شرط دانسته‌اند، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که آوردن قید تقیه توسط آنان، برای احراز جواز اقتدا به امام جماعت سنی است که بالاتفاق در حال تقیه، این کار جایز است. حال، اگر دایره تقیه را گسترده دانستیم و حتی از این هم بالاتر، در غیر زمان تقیه نیز بنابر توصیه برخی روایات، اقتدا به امام جماعت سنی را جایز یا راجح شمردیم، در این صورت تبعیت از امام واجب است و باید به پیروی از امام جماعت، سجده را در حال نماز انجام دهیم. وانگهی مستفاد از روایاتی که به شرکت در نماز جماعت مخالفان توصیه می‌کند، بر اساس مصلحتی است که در ایجاد وحدت و همدلی بین مسلمانان وجود دارد یا مصلحتی که در پیشگیری از اتهام نامسلمانی

به پیروان اهل بیت علیهم السلام یا وهن مذهب وجود دارد که این مصلحت با عدم جواز سجده در بین نماز در فرضی که امام جماعت و دیگر مأمومین سجده کنند، ناسازگار است. همچنین با توجه به روایات صحیحی که از نظر دلالت نیز تمام است، باید در بین نماز سجده را انجام داد و در همه موارد ذکر شده، نماز مأمومین صحیح است و به اعاده آن نیازی نیست.

قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة
لجماعة المدرسين.

۹. بهجت، محمدتقی (۱۳۸۱). **وسيلة النجاة**.

قم، انتشارات شفق، چاپ دوم.

۱۰. بیهقی کیدری، قطب‌الدین (۱۴۱۶ق).

إصباح الشيعة بمصباح الشريعة، قم،

مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ اول.

۱۱. تستری، محمدتقی (۱۴۰۶ق). **النجعة في**

شرح اللمعة، تهران، مكتبة الصدوق،

چاپ اول.

۱۲. تفریسی حسینی، سیدمصطفی (۱۴۱۸ق).

نقد الرجال، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ

اول.

۱۳. جزیری، عبدالرحمان (۱۴۱۹ق). **الفقه**

على المذاهب الأربعة ومذهب أهل

البيت عليه السلام، بیروت، دارالتقنين، چاپ اول.

۱۴. حائری، عبدالکریم (۱۳۶۲). **کتاب**

الصلاة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق).

وسائل الشيعة، بیروت، دار احیاء التراث

العربی، چاپ پنجم.

۱۶. حکیم، سیدمحمدسعید (۱۴۱۵ق). **منهاج**

الصالحين، بیروت، دارالصفوة، چاپ اول.

۱۷. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۰ق). **تحریر**

الوسيلة، نجف، مطبعة الآداب، چاپ دوم.

۱۸. _____ (بی‌تا). **الخلل في**

الصلاة، قم، چاپخانه مهر.

منابع

قرآن کریم

۱. آل عصفور، حسین (۱۳۷۹). **سداد العباد**

ورشاد العباد، قم، محلاتی، چاپ اول.

۲. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور

(۱۴۱۰ق). **السرائر**، قم، مؤسسه النشر

الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، چاپ

دوم.

۳. ابن داود حلی، حسن بن علی (۱۳۹۲ق).

رجال ابن داود، نجف، منشورات مطبعة

الحيدرية.

۴. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۴۲۲ق).

رجال ابن الغضائری، قم، دارالحديث،

چاپ اول.

۵. اراکی، محمدعلی (۱۳۷۹). **کتاب الصلاة**،

بی‌جا، مكتبة المؤلف، چاپ اول.

۶. اشتهااردی، علی‌پناه (۱۴۱۷ق). **مدارك**

العروة، تهران، دارالاسوة للطباعة و النشر،

چاپ اول.

۷. امامی، محمد و همکاران (۱۳۹۸). «باز کاوی

حکم قرائت سوره عزیمه در نماز از منظر

فقه مذاهب اسلامی»، **پژوهشنامه مذاهب**

اسلامی، سال ۱۱، قم، دانشگاه ادیان و

مذاهب.

۸. بحرانی، یوسف (بی‌تا). **الحدائق الناضرة**،

۱۹. خوانساری، سيداحمد (۱۳۶۴). جامع المدارك، تهران، مكتبة الصدق، چاپ دوم.
۲۰. خوئی، سيدابوالقاسم (۱۴۱۰ق). كتاب الصلاة، قم، دارالهادی للمطبوعات، چاپ سوم.
۲۱. سبزواری، سيدعبدالاعلی (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام فی بیان الحلال والحرام، قم، مكتب آيت الله العظمی السيد السبزواری، چاپ چهارم.
۲۲. شهيد اول، محمد بن مكی (۱۴۱۹ق). ذكری الشيعة فی احكام الشريعة، قم، ستاره، چاپ اول.
۲۳. شهيد ثانی، زين الدين بن علی (۱۴۱۰ق). الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، قم، انتشارات داورى، چاپ اول.
۲۴. _____ (۱۳۸۰). روض الجنان فی شرح ارشاد الأذهان (ط.ج)، قم، بوستان كتاب، چاپ اول.
۲۵. _____ (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ اول.
۲۶. _____ (۱۳۷۸). المقاصد العلية فی شرح الرسالة الألفية، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامی، چاپ اول.
۲۷. صاحب جواهر، محمدحسن (۱۳۶۷). جواهر الكلام، تهران، دارالكتب الاسلاميه، چاپ سوم.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذيب الاحكام، تهران، دارالكتب الاسلاميه، چاپ چهارم.
۲۹. _____ (۱۴۱۵ق). رجال الطوسی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول.
۳۰. _____ (۱۴۱۷ق). الفهرست، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول.
۳۱. _____ (۱۳۸۷). المبسوط، تهران، چاپخانه حیدری، چاپ سوم.
۳۲. عاملی، محمد بن حسین (بی تا). الجبل المتین (ط.ق)، قم، انتشارات بصیرتی.
۳۳. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). تذكرة الفقهاء، قم، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول.
۳۴. _____ (۱۴۱۷ق). خلاصة الاقوال، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول.
۳۵. _____ (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب، مشهد، بنياد پژوهش های اسلامي، چاپ اول.
۳۶. _____ (۱۴۱۰ق). نهاية الاحكام فی معرفة الاحكام، قم، اسماعيليان، چاپ دوم.
۳۷. علم الهدی، سيدمرتضى (۱۴۰۵ق). رسائل الشريف المرتضى، قم، دار القرآن

- المشرفة.
۳۸. فاضل لكرانى، محمد (۱۴۲۰ق). **نهاية التقرير فى مباحث الصلاة**، قم، مركز فقه الأئمة الأطهار عليه السلام، چاپ سوم.
۳۹. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۰۵ق). **كشف اللثام**، قم، مكتبة آية الله مرعشى.
۴۰. قمى، ابوالقاسم (۱۳۷۵). **غنائم الأيام فى مسائل الحلال والحرام**، قم، دفتر تبليغات اسلامى، چاپ اول.
۴۱. كاشف الغطاء، جعفر (۱۳۸۰). **كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء**، قم، مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، چاپ اول.
۴۲. كلينى، محمد بن يعقوب (۱۳۶۷). **الكافى**، تهران، دارالكتب الاسلاميه، چاپ سوم.
۴۳. محقق حلى، جعفر بن حسن (۱۳۶۴). **المعتبر فى شرح المختصر**، قم، مؤسسه سيدالشهدا.
۴۴. محقق كركى، على بن الحسين (۱۴۰۸ق). **جامع المقاصد**، قم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، چاپ اول.
۴۵. مرواريد، على اصغر (۱۴۱۰ق). **سلسلة الينابيع الفقهية**، بيروت، دارالتراث، چاپ اول.
۴۶. مقدس اردبيلی، احمد (بى تا). **مجمع الفائدة و البرهان**، قم، مؤسسه النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم
۴۷. موسى عاملی، محمد بن على (۱۴۱۰ق). **مدارك الأحكام**، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام لاحياء التراث، چاپ اول.
۴۸. نجاشى (۱۴۱۶ق). **رجال النجاشى**، قم، مؤسسه النشر الاسلامى.
۴۹. نراقى، احمد بن محمد (۱۴۱۵ق). **مستند الشيعه**، قم، مؤسسه آل البيت.
۵۰. همدانى، رضا (بى تا). **مصباح الفقيه** (ط.ق)، تهران، مكتبة الصدر.
51. <http://javadi.esra.ir>.

